

نادر ثانی:

www.nadersani.net; nader.sani@gmail.com

آرش کمانگیر و طالبان ما



یکی دو روز پیش از فرارسیدن سالروز مرگ خمینی، این جلاد توده‌های ما، اهالی شهر ساری - مرکز استان مازندران- با ناباوری شاهد ناپدید شدن مجسمه‌هایی شدند که سالها بود در میدان "امام" (پیش از آن میدان "ولیعهد" خوانده می‌شد) قرار داشته و تزیین‌کننده زیبایی برای این میدان بودند. این تندیسها شامل چندین اسب که از سال ۱۳۵۴ در میدان نصب شده بودند و مجسمه‌ای از آرش کمانگیر قهرمان اسطوره‌ای ایران، که چند سال پس از آن به این مجموعه اضافه شده بود، بودند. همانطور که در عکس ضمیمه دیده می‌شود آرش ایستاده بر ارابه‌ای در پس دو اسب، با تیر و کمانی در دست، در حال پرت کردن تیری است که با مایه گذاشتن از جان خویش به آن نیرو بخشیده، گویی به آن پر و بال داده تا کیلومترها به پیش رود و بدینگونه سرحد مرز ایران و توران را با آن مشخص ساخت.



در ابتدا پندار عمومی اهالی آن بود که این تندیسها هم مانند مجسمه‌های بسیاری که در سالهای اخیر در اینجا و آنجای ایران به ناگاه "ناپدید شده" و سپس گفته می‌شد که آنها هم "به سرقت رفته‌اند" (!!!!) اسیر دستان "سارق‌های" کارکشته شده‌اند. اما دیری نپایید که روشن شد که ناپدید شدن این تندیس‌ها ماجرای دیگری دارد. و به همین دلیل هم فرامرز نقیبی، رئیس شورای شهر ساری، مجبور شد اعلام کند^۱ که اسب‌ها (و آرش) سرقت نشده بلکه توسط شهرداری جمع‌آوری شده‌اند!!!! نقیبی که خود به خوبی می‌داند از میدان (و از میان) برداشتن تندیس‌ها مورد اعتراض مردم شهر قرار گرفته و خشم بسیاری را



برانگیخته است (تا جایی که به گفته خودش در خلال چند روز به ۱۷۰ تماس تلفنی در این مورد پاسخ گفته است) در پاسخی ابلهانه به این یورش اضافه کرده "آن قدر در شهر عقب‌ماندگی داریم که مسئله جمع‌آوری اسب‌ها در مقابل آن کوچک است!!" رئیس شورای شهر ساری، در اینجا پس از این زمینه‌چینی‌ها مسئله اصلی را طرح کرده و گفت: "بر

اساس دستور دادستان، وجود مجسمه‌های اسب در میدان امام چیزی جز اهانت به نام امام نیست و جمع‌آوری این مجسمه‌ها به شهرداری ابلاغ شد."^۲

به این ترتیب معلوم شد که مسئولین شهرداری ساری جهت حفظ "شان" نداشته‌اند امام جنایتکارشان مجسمه‌ها را برداشته‌اند!!!! آنهم به دستور شخص شخیص دادستان شهر یعنی جناب "اسدالله جعفری" که آخوندی است که مقام "دادستانی" در شهر ساری را بر عهده دارد. از قرار معلوم ایشان به ناگاه به این جمع‌بندی رسیده که "وجود مجسمه‌های اسب‌ها در میدان امام" اهانت به "نام امام" است و از این رو دستوری به شهرداری ابلاغ کرده که باید این "توهین" را چاره کرده و شبانه تندیس‌ها را بر زمین واژگون سازند؛ بینوا آرش فهرمان اسطوره‌ای ما هم که مرتکب "اشتباهی نابخشودنی" شده و بر ارباب‌های در پی این اسب‌ها سوار بوده است، کیفر این کوتاه‌بینی و آینده‌نیندیشی خود را دیده و تندیس‌اش به

سرنوشت تندیس اسب‌ها که از قرار با وجود خود به "ساحت امام" توهین می‌کردند، واژگون گردیده است!!!!

جالب اینجاست که جناب "دادستان" و تمامی "دادستان‌های پیشین شهر و دیگر مقامات جمهوری اسلامی در شهر و استان (از جمله "امام جمعه"، نماینده "رهبر" و رئیس "دادگاه انقلاب") در خلال تمامی این سالها که نام میدان "امام" بوده و تندیس‌های بزرگ اسب‌ها و سپس آرش در میدان بوده‌اند، متوجه این "اهانت" نابخشودنی نشده و به ناگاه جناب "دادستان" آنچنان در این مورد "خواب‌نما" شده و همانند ارشمیدس کشفی بزرگ کرده و فریاد برآورده‌اند "یافتم!!!!!!"; آنچنان که حتی کمترین لزومی ندیده‌اند که "انجمن شهر" و اعضای آن را که دستکم بر روی کاغذ عهده‌دار مسئولیت اداره شهر و دارایی‌های آن هستند در جریان امر قرار داده و منتظر "تصمیم" آنان باشند!

بدینگونه بود که بر سر تندیسهای آرش و ۱۶ اسب، آن رفت که چندی پیش بر سر تصویری از خالق آرش، فردوسی، در مشهد آمده بود: آنها نیز جمع‌آوری شدند! به این ترتیب روشن شد که میدان خالی شده بهتر "شان" آن فریبکار رذل را به نمایش می‌گذارد.



جالب‌تر این جاست که زمانی که مقامات جمهوری اسلامی به ناگاه و با شدتی بیش از انتظار با موج اعتراضات مردم در اینجا و آنجا مواجه شدند^۳، می‌گویند که این کار را برای "زیباسازی شهر" به انجام رسانده (!!!!) و تنها در پی جابه‌جایی تندیس‌ها هستند^۴! البته برخی از این "مسئولان" نیز دلیل برداشتن تندیس‌ها را درخواست "جمعی از فعالان فرهنگی استان" ذکر کرده‌اند، بدون

اینکه قادر باشند اشاره‌ای به اسامی و عناوین این فعالان فرهنگی از همه جا بی‌خبر بکنند!

"دادستان" کشوری خواستار از میان برداشتن رد پای این "اهانت" به "ساحت امام" است که در آن آخوند دیگری به نام موسی سالمی، که مدت‌زمانی است که "امام‌جمعه خمینی‌شهر" است در مورد چند زن که چندی پیش در یکی از باغهای این شهر مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند با وقاحت تمام گفته است: "آنها که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، آدم‌های علیه‌السلامی نبوده‌اند و با شراب‌خواری و رقاصی یک عده دیگر را تحریک کرده‌اند که باید در جای خودش به این جرایم هم رسیدگی شود" و "سرهنک حسین‌زاده" رییس آگاهی استان اصفهان، نیز در همین مورد داد سخن داده که "اگر در این حادثه خانم‌ها حداقل حجاب را در باغ رعایت کرده بودند، شاید مورد آزار و اذیت قرار نمی‌گرفتند"^۵. به راستی که روزگار غریبی است!

ماجرای تخریب تندیسهای میدان شهر ساری به روشنی بیانگر دید فرهنگی و اجتماعی سگان زنجیری سرمایه که بر کشور حاکم هستند، می‌باشد. کسانی که با دیدگاه فرهنگی دهشتناک و ارتجاعی و ضدانسانی و قرون وسطایی "اسلام راستین" خود به توجیه سلطه ضد‌مردمیشان مشغول‌اند. به یاد بیاوریم که چند سال پیش همپالکی‌های اینان در افغانستان، یعنی دارو دسته طالبان، چگونه با بهانه‌ای مشابه دست به تخریب مجسمه بودا با بمب‌گذاری و انفجار آن که در یکی از کوه‌های این کشور تراشیده شده بود، زده و مجسمه را که یک یادبود عظیم فرهنگی بود که سالهای سال در سکوت مطلق خود در آنجا ایستاده بود، از میان بردند.



"طالبان" ما، مقامات جمهوری ننگ و نیرنگ اسلامی و پادوهای رنگارنگ آنان، که بیش از ۳۲ سال است که برای تداوم بخشیدن به عمر ننگین نظام خود تمامی حقوق انسانی توده‌های ما را زیر پا گذاشته و زنجیری گران بر گرده و دست و پای توده‌های ما کشیده‌اند. بیش از ۳۲ سال است که بلاهت دینی را وسیله‌ای برای پوشاندن چهره ننگین "پروردگار" راستین خود یعنی سرمایه نموده و با اعمال شدیدترین و عریان‌ترین شیوه‌های دیکتاتوری توده‌های ما را مورد هجوم وحشیانه خود قرار داده، شکنجه کرده، سنگسار نموده، نقض عضو کرده و به چوبه دار و یا جوخه تیرباران سپرده‌اند. اینان بیش از هر چیز نگهدار و سگ‌زنجیری سرمایه‌داری جهانی هستند و در راستای همین پاسداری است که برای پوشاندن چهره ننگین سرمایه از هیچ جنایتی دریغ نمی‌ورزند. اما اجازه نخواهیم داد که این رسالت را زیر عبای خود پنهان کنند. تا روزی که بساط سرمایه‌داری جهانی و سگ‌های زنجیریش برچیده نشده باشد لحظه‌ای از افشای آنها کوتاهی نکرده و تا سرنگونی‌شان از پای نخواهیم نشست. و با همه توان فریاد خواهیم زد که در ایران نخستین گام برای رسیدن به آزادی، سرنگون کردن جمهوری اسلامی با تمام جناح‌های آن می‌باشد.

سرنگون باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی ایران!
مرگ بر سرمایه‌داری جهانی و سگ‌های زنجیریش!
درود بر کمونیسم! زنده باد آزادی!

استکهلم، پنجشنبه ۶ تیر ۱۳۹۰ (۷ ژوئیه ۲۰۱۱)
نادر ثانی

پانوشت‌ها:

۱. گفته نقیبی در این مورد را می‌توانید در سایت "مازندرنومه" بخوانید:
<http://www.mazandnume.com/?PNID=V12233>

۲. گفته نقیبی در این مورد را می‌توانید در سایت "شمال‌نیوز" بخوانید:
<http://www.shomalnews.com/?view&sid=46027>

۳. برای نمونه به نوشته "سید عبدالحسین مختاباد" در سایت "تمنای وصال" نگاهی بکنید:

<http://smokhtabad.blogfa.com/post-37.aspx>

۴. این ماستمالی‌های ناشیانه از جمله در محتویات گزارش‌هایی در که بالا به آنها اشاره شد، در همان شماره‌های ۱ و ۲ آمده‌اند.

۵. گفته‌های این دو پادوی جمهوری اسلامی که به راستی نشاندهنده دید زن‌ستیز این نظام ضدانسانی می‌باشند را در اینجا ببینید:

<http://asghar-joudi.com/2011/06/12/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85-%D8%AC%D9%85%D8%B9%D9%87-%D8%AE%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C-%D8%B4%D9%87%D8%B1-%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%85%D9%87%D8%A7-%D8%A7%DA%AF%D8%B1-%D8%AD%D8%AC%D8%A7%D8%A8-%D8%AF%D8%A7%D8%B4/>